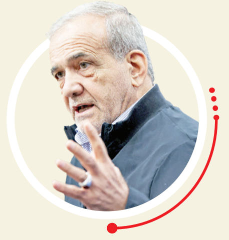

درباره فیلترینگ در سطح سران به نگاه مشترک رسیده‌ایم

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری در دیدار با «اعضای شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران» اقدامات صورت‌گرفته در دولت از آغاز تاکنون را منطبق بر شعارها، یعنی ضرورت تشکیل دولت وفاق ملی، با گفت‌وگو و انسجام ملی و پرهیز از دعوا دانست و گفت: امروز ما برای اولین بار در دولت، استاندار کُرد برای استان کردستان، استاندار عرب برای خوزستان و استاندار بلوچ برای استان سیستان و بلوچستان تعیین کرده‌ایم؛ این امر جز با حمایت‌های مقام معظم رهبری و ایجاد همدلی با سایر دستگاه‌ها و نهادها ممکن نبود.

رئیس‌جمهور با اشاره به سخنان یکی از اعضای شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی مبنی بر انتظارات جامعه برای بهبود کیفیت اینترنت و رفع فیلترینگ در کشور گفت: در موضوع اینترنت و رفع فیلترینگ به نگاه مشترک میان سران رسیده‌ایم و در پی حل مشکلات این حوزه هستیم.

رئیس‌جمهور با تاکید بر اینکه نگاه و زبان مشترک، بستر ایجاد وحدت و انسجام در کشور خواهد بود، گفت: خطبه ۲۱۶ نهج‌البلاغه از زبان حضرت امیرالمومنین، حقوق مردم نسبت به حاکمیت و حاکمیت نسبت به مردم را به خوبی تبیین کرده است. باید با پرهیز از دعوا و درگیری، عدالت را که مورد تاکید حضرت بوده است، در جامعه پیاده کنیم.

پزشکیان با تشریح نقش احزاب در کشور، بر لزوم برخورداری از یک مشی واحد منطبق بر عدالت و همچنین برنامه‌های روشن به‌خصوص در حوزه‌های آموزش و پرورش، بهداشت و سلامت و اقتصاد تاکید کرد و گفت: اگر فردی وارد تشکیلات حزبی شد، باید به روشنی بداند و باور داشته باشد که از چه چیزی می‌خواهد دفاع کند و در آخر آن را در جهت خدمت به مردم به کار گیرد. رئیس‌جمهور با تقبیح نگاه کالامحور برخی افراد به مردم، گفت: از نظر من، سلامت و بهداشت بازار نیست، جان افراد محل تجارت نیست و من نمی‌توانم به انسان به عنوان یک کالا نگاه کنم.

هاشمی‌رفسنجانی استثنایی بود

پزشکیان با پاسداشت مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، انکار نقش و خدمات ایشان در انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را ناجوانمردانه دانست و اظهار داشت: به اعتقاد من مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در این انقلاب فردی استثنایی بود و شاید نتوان جمهوری اسلامی را بدون ایشان تعریف کرد. هیچ‌کس معصوم نیست، اما انکار نقش و خدمات ایشان ناجوانمردانه است. رئیس‌جمهور با بیان اینکه رویکرد دولت برای مدیریت کشور بر مبنای «مدیریت بر اساس شواهد» خواهد بود، تصریح کرد: ما اگر بتوانیم بر مبنای الگوی مدیریت بر مبنای مستنداتی که بهترین روش را براساس تجربه‌های بین‌المللی دنیا و الگوهای علمی آزموده شده به ما نشان می‌دهد، عمل کنیم -ولو اینکه با نظر شخصی ما ناسازگاری داشته باشد- وسپس این رویکرد را به همه مسائل کشور تعمیم بدهیم، می‌توانیم از مشکلات عبور کنیم. پزشکیان با تاکید بر اینکه صداقت با مردم کلید حل اساسی مشکلات کشور است، اظهار داشت: حل مشکلات آینده کشور در گرو ایجاد پذیرش اجتماعی در مردم و جامعه است. قبل از هر مداخله باید با مردم صادقانه صحبت و استدلال‌های علمی خود را با آن‌ها در میان بگذاریم تا بتوانیم به یک زبان و نگاه مشترک برسیم. پذیرش اجتماعی حتماً براساس مستندات، شواهد و با کمک دانشگاهیان، احزاب و رسانه‌ها قابل دستیابی است؛ نمی‌توان مسائل را به زور به جامعه تحمیل کرد. رئیس‌جمهور با بیان اینکه مسیر ایجاد اعتماد در مردم با وفاق و گفت‌وگو هموار خواهد شد، گفت: اگر حرفی برخلاف حق است و از زبان من زده شود، حتماً ظلم صورت گرفته است. ما باید با زبان و سخن حق با مردم گفت‌وگو کنیم، تا بتوانیم یکدیگر را بپذیریم و در کنار یکدیگر مشکلات کشور را حل کنیم. پزشکیان در بخش دیگری از سخنان خود با تاکید بر اینکه رژیم صهیونیستی به‌دنبال جلوگیری از شکل‌گیری حرکت در مسیر ایجاد وفاق در نخستین روزهای دولت چهاردهم بود، گفت: باور من این است که صهیونیست‌ها به صورت آگاهانه دست به ترور شهید اسماعیل هنیه در کشور زدند تا وفاق و همدلی ناشی از برگزاری انتخابات را مخدوش کرده و از ایجاد وحدت و وفاق در جامعه جلوگیری کنند؛ آن‌ها بعد از ترور شهید هنیه به دنبال همراه کردن مردم برای دعوا و درگیری بودند، اما وقتی شکست خوردند، خودشان وارد عمل شدند.

توئیتر؛ تهدیدها و فرصت‌ها

هادی خانیکی
استاد علوم ارتباطات

این دیپلماسی، دیپلماسی توئیتری و توئیتری شدن سیاست در خیلی از جاها ضرر داشته است، البته برای من فایده هم داشته که در کمتر از یک ماه دو بار خدمت آقای دکتر ظریف باشم. البته جامعه ما سخت مدیون فعالیت‌های آقای دکتر ظریف است، او توانست فرهنگ نجیبانه‌ای را در کنار بطن فرهنگ خشنِ توئیتر به عرصه سیاست بکشاند. به گونه‌ای که همه ما این دِین را باید بفهمیم و به آقای دکتر ظریف ادای احترام کنیم، اگرچه برای بدخواهان خوشایند نباشد. همانطور که جای تأسف بود که دانشگاه، دکتر فاضلی را از دست داد، اما توانستند با فضای مجازی و استفاده از توئیتر آگاهی‌بخش باشند.

کتابی که امروز معرفی می‌شود دغدغه‌ای است که آقای محمد رهبری داشتند؛ او به دلیل اینکه توئیتر هر روز در بطن خود مسئله خلق می‌کند و مسئله آن مسئله جامعه نیز می‌شود، به این کتابی رسید که از آن استقبال شد؛ به دلیل اینکه نام توئیتر، نام ایلان ماسک، نام ترامپ و نام ایران نیز در این شرایط به همدیگر گره خورده است و خود این موضوع مهم است. کتاب حاصل رساله دکتری آقای محمد رهبری است که در پی تغییراتی چاپ و ارائه شده است. کتاب ورود بسیار خوبی به مسائل معتنابه ایران داشته است. من در مقدمه این کتاب دغدغه‌های خود را بیان کردم که در مرزنشینی بین دانشگاه و کنش مدنی و سیاسی چقدر پابه‌پای این مسئله از دانشجویانم آموختم و سعی کردم تا جای ممکن عقب نیفتم. اما دغدغه اصلی این است که ما از مراحلی تحت عنوان رسانه‌ای شدن سیاست، شبکه‌ای شدن و مجازی شدن سیاست گذشتیم و رسیدیم به توئیتری شدن سیاست. پیش از این آقای دکتر محمد رهبری سه کتاب را منتشر کرده‌اند و با این کتاب، یعنی منظومه این چهار کتاب شاید بتواند مسئله و دغدغه‌ای را که یک شخص از حوزه فنی و مهندسی به حوزه سیاست، دانش و بعد وارد کنشگری می‌شود را نشان دهد که دنبال چیست. سه کتاب قبلی که اولی تحت عنوان «شبکه‌های اجتماعی و آنومی‌های نوظهور» و دو کتاب دیگر دغدغه‌های نظری برآمده از نظریه‌های مانوئل کاستلز بود، در این کتاب به مسئله گسیختگی و اینکه چطور موجب بحران‌هایی در لیبرال‌دموکراسی شده است، پرداخته شد و بحث بعدی که در مورد نسبت بین کنش جمعی و شبکه‌های اجتماعی است را با آن تکمیل کرد. در این کتاب میدان دید وسیع‌تر شد؛ به‌گونه‌ای که هم بحث شبکه‌های اجتماعی را می‌توان دنبال کرد و هم مسئله‌ای را که جامعه شبکه‌ای، جامعه پلتفرمی و اخیراً کنترل و مهار در توئیتر و مهندسی اجماع شکل داده است؛ انجام گرفت. در ادامه توضیح خواهم داد که توئیتری شدن سیاست چه اتفاقی را نشان می‌دهد. توئیتری شدن سیاست فرایندی است که عاملیت پیدا می‌کند برای شکل‌گیری گفتمان‌های سیاسی و فشار اخبار و ارتباطات مستقیم بین سیاستمداران و مردم. ظهور این پلتفرم هم شیوه‌های سنتی ارتباطات سیاسی را به چالش می‌کشد و هم خود ارتباطات را، از این نظر که ویژگی‌های کلیدی مثل کوتاهی و محدودیت کاراکترها باعث می‌شود پیام‌ها ساده و موجز منتشر شود. فوریت آن ارتباط در لحظه را برقرار می‌کند و سیاستمداران را وادار می‌کند که مستقیماً به رویدادها واکنش نشان دهند و همچنین قطبی‌سازی و پلاریزه می‌کند. تاثیر توئیتری شدن سیاست در ارتباطات سیاسی خود یک تحولی را شکل می‌دهد که قطعاً دنیایی سرشار از این بیم و امید را ایجاد می‌کند. در حقیقت دنیای توئیتری سیاست دنیای فرصت‌ها و تهدیدها است. دسترسی مستقیم و شفافیتی که در توئیتر هست که در راستای رسانه‌های سنتی پیام منتقل می‌کند و این فرصت و امکان را می‌دهد که سیاستمداران با مخاطبان خود ارتباط بی‌واسطه داشته باشند، از نظر ارتباطی یک پدیده جدیدی را به وجود آورده است که از آن به عنوان فرهنگ تکه‌های صوتی یاد می‌شود. توئیتر با محدودیت تعداد کاراکترها، سیاستمداران و کاربران را مجبور به فشرده‌سازی پیام‌ها می‌کند که این امر چندین پیامد مهم را به‌ویژه در جوامع ما که زیاد و طولانی حرف زدن خیلی بیشتر متعارف است، دنبال می‌کند. طبیعتاً اینکه شعارهای ساده به جای ایده‌های پیچیده می‌نشیند، کیفیت گفتمان سیاسی را تغییر می‌دهد و آن را سطحی‌تر می‌کند و مخاطبان خود را به پیام‌های کوتاه عادت می‌دهد می‌تواند منجر به کاهش آگاهی شود که این بستگی به کسی دارد که می‌خواهد از این فضا استفاده کند که چقدر می‌تواند بر این سطحی بودن غلبه کند. تمایل به قطبیت‌سازی و جنجال‌برانگیزی در این رسانه وجود دارد و نوعی دوگانگی را در جوامعی که نیاز به چندگانگی و تنوع و گفت‌وگو هستند شکل می‌دهد و می‌تواند ایجاد همگرایی را به اختلاف و قطبیت تبدیل کند. این رویکرد، رسانه‌های سنتی را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد و به جای انتشار مفصل گزارش‌ها و نشست‌ها به انتشار تکه‌های کوتاه و تاثیرگذار بسنده می‌کنند که اینها خود فضای رسانه‌ای جدیدی است که البته از دل آن برندسازی شخصی نیز خارج می‌شود و بر رفتار سیاسی و سیاستگذاری نیز تاثیر می‌گذارند. البته سیاستمداران و کنشگران سیاسی و مدنی را نیز تحت فشار قرار می‌دهند. در کمپین‌های توئیتری و اتاق‌های پژواکی که در آنجا افراد با دیدگاه‌های مشابه خود مواجه می‌شوند نیز یک محدودیت دیگر است که در جامعه ایجاد می‌کند و به اطلاعات نادرست و اخبار جعلی دامن می‌زند. در مجموع توئیتر با خلق مزایا و معایبی در عرصه سیاست به میدان آمده و تنها مسئله ایران نیست.

سیاست توئیتری

جلسه رونمایی از کتاب «توئیتری شدن سیاست» با حضور محمدجواد ظریف، هادی خانیکی و محمدفاضلی

گروه سیاست: سالن فردوسی خانه اندیشمندان علوم انسانی روزگذشته میزبان محمدجواد ظریف، معاون راهبردی رئیس‌جمهوری، هادی خانیکی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی و محمد فاضلی، جامعه‌شناس، جمعی از چهره‌های سیاسی و جمع کثیری از مردم برای رونمایی از کتاب «توئیتری شدن سیاست» نوشته محمد رهبری بود؛ جلسه‌ای که در آن از تحلیل وضع موجود جامعه، چالش گفت‌وگو و گفتمان‌سازی تا خاطرات ظریف از مذاکرات هسته‌ای و اسقاط پهپاد آمریکایی و توئیت‌هایی که به تغییر فضا در سطح بین‌المللی و واکنش جان کری و پمپئو منجر شد، شنیده می‌شد. در ادامه خلاصه‌ای از این جلسه می‌آید.

عکس: جماران

توئیتر انحصار را شکست

محمدجواد ظریف
معاون راهبردی ریاست‌جمهوری

متاسفانه گروه‌های خاصی در کشور ما به توئیتر دسترسی دارند و حساب‌های فیک زیادی در ایران با توئیتر کار می‌کند و بیشتر ادبیات نامناسب نیز از این حساب‌های فیک نشأت می‌گیرد. گرچه در ایران برخی از حساب‌های شناخته‌شده نیز از ادبیات نامناسب استفاده می‌کنند و اتفاقاً لایک زیادی می‌گیرند. به عنوان یک قربانی مهرورزی در توئیتر در مورد منافع توئیتر صحبت می‌کنم. دوستان درباره مشکلات توئیتر صحبت کردند و من هم با آنها هم‌نظر هستم و دلیل اصلی مشکلات توئیتر در جامعه ایران را فیلترشدن آن می‌دانند و اینکه افراد محدودی که دارای دستور کار مشخص یا به قول دوستان بسیاری از آنها پروژه‌بگیر هستند و برای اهداف خاصی حضور پیدا می‌کنند، این مشکلات پیش آمده و نباید آن را به توئیتر تعمیم داد. البته باید این را پذیرفت که فضای توئیتر فضای گفت‌وگو نیست بلکه فضای پیام‌های کوتاه است. پیام‌های کوتاه برای فهم نیست، برای انتقال یک نگاه، نگرش یا دیدگاه سیاسی و حتی یک تعارض است. زمانی که شما در توئیتر نبودید و ما آنجا دست و پا می‌زدیم، ۱۸۰ کاراکتر می‌شد نوشت و دشوار بود. وقتی ۲۸۰ کاراکتر شد گفتیم: «دیگر می‌شود سخنرانی کرد.»

توئیتر با این شروع شد که مردم بتوانند با موبایل هوشمند پیام‌ها را تبادل کنند و در بعضی مقاطع بسیار مهم بود. بویژه در دیگر جوامع این پیام‌ها حیاتی و بسیار مفید می‌شود اما توئیتر جای شنیدن نیست، چون گفت‌وگو با شنیدن شروع می‌شود. توئیتر جای نوشتن است نه شنیدن و نباید توقع داشته باشیم که توئیتر یک محیط برای گفت‌وگو فراهم کند و باید دنبال جای دیگری بگردیم. من همیشه در مورد سازمان‌های بین‌المللی می‌گویم این سازمان‌ها برای عدالت ساخته نشده بلکه ابزار مشروعیت جمعی است نه ابزار حقوق بین‌الملل. اگر بخواهیم از سازمان‌های بین‌المللی انتظار عدالت داشته باشیم مثل این است که در ساندویچ‌فروشی کباب بخواهیم. نه چلوکباب گیر می‌آید نه آن غذایی که آنجا می‌فروشند. حتماً پلتفرم‌های دیگری دارد و ما بیش از هر چیزی در این دنیا نیازمند گفت‌وگو هستیم و من معتقدم سیاست و گفتمان وفاق ملی آقای پزشکیان بر مبنای گفت‌وگو است. متاسفانه توئیتر برای بعضی شده ابزار نان درآوردن و پروژه‌بگیری. اما توئیتر با همین مشخصات خاصیت‌های بسیار مهم و اساسی دارد؛ بویژه در جامعه جهانی. دلیل اول این است که در دنیا ارتباطات جهانی شده و مرز نمی‌شناسد، توئیتر هم یکی از ابزارهای ارتباط جهانی است. احساسات هم جهانی شده و نمی‌شود آن را در مرزها محدود کرد و حکومت‌ها کنترل انحصاری احساسات مردمان خود را از دست داده‌اند. اگر حکومت‌ها فکر می‌کنند می‌توانند احساسات و اطلاعات مردمان خود را با ابزارهای عمومی کنترل کنند، توئیتر نشان داده که چنین چیزی امکان‌پذیر نیست. به‌دلیل همین خاصیت توئیتر احساسات درباره غزه، آن چیزی نیست که می‌خواستند منتقل شود، بلکه احساسات جهانی آن را ابزارهای فضای مجازی شکل داده‌اند نه ابزارهای رسمی. گرچه ابزارهای جهانی مانند الجزیره هم نقش بسیار مهمی داشتند اما فراموش نکنیم که اگر فضای مجازی و توئیتر نبود، مردم از جنایت‌های رژیم صهیونیستی در غزه آگاه نمی‌شدند و به راحتی مشخص نمی‌شد که در آنجا چه می‌گذرد. تبلیغات رسمی می‌توانست کنترل را در دست بگیرد، همانطور که سال‌ها این اتفاق رخ داده بود. غزه اولین نمونه جنایت رژیم صهیونیستی نیست بلکه تاریخچه‌ای از قبل دارد؛ اما در گذشته این رفتار توسط برخی رسانه‌ها انعکاس پیدا می‌کرد آن هم به شکلی و چارچوبی که ما و شما نمی‌توانستیم به عمق قضیه پی ببریم.

امروز توئیتر این مفهوم و انحصار رسانه‌ای را شکسته است. لذا وضعیتی که توئیتر ایجاد کرده این است که یک فرد خبری را تولید می‌کند و در امپراطوری گسترده رسانه‌ای منعکس می‌شود. آلفرد ام لیلی انتال (Alfred M. Lilienthal) در کتاب زایانیست کانکشن (The Zionist Connection)، در دهه ۷۰ نشان داده که چگونه رسانه‌ها در کنترل طرفداران صهیونیست‌ها هستند و آن رسانه‌ها دیگر نمی‌توانند اخبار را کنترل کنند. بارها مشاهده کرده‌ام، اخباری که اصلاً برای رسانه‌ها خوشایند و شیرین نبوده، بعد از توئیت من رسانه‌ها مجبور شدند پوشش دهند و نمی‌توانستند آن را سانسور کنند. اگر در محیط‌های گذشته مجبور بودید با رسانه‌ها ارتباط داشته باشید، امروز دیگر این اتفاق رخ نمی‌دهد. در دنیای کنونی انسان کنشگر است. دولت‌ها، شرکت‌ها و حاکمان تنها کنشگران دنیای کنونی نیستند که تحول بسیار مهمی است. اینکه دولت‌ها انحصار کنشگری بین‌المللی را از دست دادند بسیار مهم است و برای همین است که نویسنده‌ای به نام روزنا در دهه ۹۰ میلادی می‌گوید: «وارد دنیای پسابین‌المللی شدیم.» ما نمی‌توانیم دنیا را براساس مفاهیم وستفالیایی دولت - ملت‌ها بشناسیم. وارد دنیایی شده‌ایم که فرد کنشگری می‌کند. به عنوان کسی که سال‌ها در سازمان‌های بین‌المللی کار کرده‌ام، به وضوح منطق و موضع دولت‌های غربی فرق می‌کند. دولت‌های غربی دوست ندارند ان‌جی‌اوها و سمن‌ها در اجلاس درباره خلع سلاح شرکت کنند، چون مخالف هستند، اما علاقه‌مند هستند در اجلاس مین‌زدایی شرکت کنند. نگاه انحصارطلبی دولت‌ها فرقی ندارد بلکه مهم موضوع است. لذا در اینکه دولت‌ها نمی‌خواهند صدای ما مردم را بشنوند سر و ته یک کرباس هستند، همه جا آسمان همین رنگ است. هر چقدر وزن حاکمیت با اتفاقات جدید کاهش می‌یابد، برای دولت‌ها سخت‌تر می‌شود. این مهم است که فرد می‌تواند در جهان کنشگری کند و یکی از ابزارهای کنشگری فرد در جهان همین توئیتر است.

توئیتر امکانی در اختیار افرادی قرار می‌دهد که امکان وسیعی ندارند. توئیتر امکان تماس لحظه‌ای را فراهم می‌کند. درست است که کوتاه است اما می‌توانید با استفاده از آن لحظه‌ای از جنگ جلوگیری کنید. زمانی که پهپاد آمریکایی را در آب‌های سرزمینی ایران در خلیج‌فارس سرنگون کردیم، آمریکایی‌ها ادعا کردند که این پهپاد در آب‌های بین‌المللی سرنگون شده است. زنگ زدم به آقای عراقچی، وزیر کنونی امور خارجه و گفتم فکری به حال این خبر بکنید. آقای عراقچی با ستاد کل تماس گرفت و خبر داد که این پهپاد در آب‌های ایران سرنگون شده است. گفتم نقشه آن را بدهید. نقشه‌ای مثل نقاشی بچه‌ها که با دست کشیده بود برای من فرستاد. من هم آن را به سرعت منتشر کردم. آقای پمپئو آنقدر عصبانی شد که گفت: «ظریف در توئیتر نقاشی بچگانه می‌کند.» اما همین نقاشی بچگانه از یک بهانه برای جنگ جلوگیری کرد. درست است که توئیتر امکان گفت‌وگو نمی‌دهد و نیاز به یک پلتفرم دیگر داریم اما می‌تواند برای شما که ابزارهای گسترده‌ای مانند غرب ندارید سریعاً یک پیام را منتقل کند.

اما به‌عنوان یک کنشگر توئیتری که فعال در عرصه بین‌المللی هستم، ایرادهای توئیتر را هم بگویم. اولین ایرادش کوتاه بودن پیام است که حوصله شنوندگان جهانی بسیار کوتاه است. اگر توئیت کوتاه بزنید همراه با یک بیانیه کمتر خوانده می‌شود تا فقط یک توئیت بزنید. لذا توئیتر جای توضیح مواضع نیست. یک خاطره بگویم از آقای نتانیاهو که در دروغگویی در کلمات کوتاه بسیار تخصص دارد. سفیر رژیم صهیونیستی در سازمان ملل بود. می‌گفتند: «نتانیاهو نه‌تنها در قطعه‌های کوتاه حرف می‌زند بلکه کوتاه هم فکر می‌کند.» یعنی فکرش هم در همین محدوده است. در بیانات کوتاه نمی‌توان دلیل‌های قانونمند و منطقی آورد. همین حرف‌های تبلیغاتی را باید زد.

نکته دوم این است که یکی از بحث‌های مهم اساتید علوم ارتباطات مخاطب‌شناسی است که در دنیای امروز دیگر موضوعیت ندارد. شما نمی‌توانید در توئیتر یا بیانات خود، مخاطب را انتخاب کنید. شما در یکی از مساجد تهران صحبت می‌کنید و موضوع آن تبدیل به سند بین‌المللی علیه خودتان می‌شود و شورای امنیت بیانیه داد. کاری که آقای احمدی‌نژاد انجام داد و در یک جلسه در تهران صحبت کرد ما در شورای امنیت بیانیه گرفتیم قبل از اینکه در مورد هسته‌ای چیزی اتفاق بیفتد. یا شما در آمریکا و به آمریکایی‌ها می‌گویید شما درباره برجام کاری نکردید، این می‌شود تیتر کیهان. شما می‌خواستید با مخاطب آمریکایی صحبت کرده و از او امتیازگیری کنید اما حواست نیست که همین صحبت می‌شود تیتر کیهان، چون نمی‌توانید مخاطب خود را انتخاب کنید. مخاطب‌شناسی در فضای ارتباطات جهانی بویژه در توئیتر عوض شده است. در توئیتر نمی‌شود یک حرفی به ایرانی‌ها زد یک حرف به آمریکایی‌ها. امروز پیامی برای یهودی‌های عالم منتشر کردم. چون روی آن بنده خدا زیاد شده است. پیام من زیرنویس فارسی هم دارد. من دقت کردم کسانی دو، سه کلمه آن را اشتباه به فارسی ترجمه کرده بودند. سریع به آنها گفتم فردا تهران یقه ما را می‌گیرد که این توئیت این معنا را نمی‌داد. یک حرفی به فارسی زدید یک حرف به انگلیسی. لذا دیگر نمی‌شود سر مردم را کلاه گذاشت و هر حرفی به هر زبانی که بزنید همه دنیا آن را می‌بینند. این دولتی‌ها را به یک جایگاه پاسخگویی می‌نشاند که حق ما (دولتی‌ها) ست در آنجا بنشینیم. قرار نیست کسی که به دولت رفت دیگر پاسخگو نباشد. حالا توئیتر ما را مجبور کرده که پاسخگو باشیم.

هشدار به موقع

محمد فاضلی
جامعه‌شناس

من سعی می‌کنم کتاب را در یک چارچوبی بگذارم و بگویم که چرا در ایرانِ امروز، کتاب به‌موقعی است. کتاب با شرح مفصلی بر نظریه‌ها آغاز می‌شود و به شرح دو سه دهه قبل می‌پردازد که این خوش‌بینی وجود داشت که اگر فضای رسانه‌ها گسترده شود، به دموکراتیک شدن و فرهنگ سیاسی دموکراتیک کمک خواهد کرد. بعد از اینکه مفصل درباره نظریه‌های دموکراسی و در آخر به فرهنگ سیاسی می‌پردازد، آدم احساس می‌کند که کتاب می‌خواهد بگوید توئیتر به عنوان یک رسانه چگونه می‌خواهد این فرهنگ سیاسی را متحول کند و چه امیدی وجود داشته که توئیتر مانند بقیه رسانه‌ها بیاید و به فرهنگ سیاسی دموکراتیک کمک کند. این حداقل تصوری است که در دهه ۷۰ و ۸۰ شمسی وجود دارد. یک محور فرهنگ سیاسی دموکراتیک این است که آدم‌ها اهل گفت‌وگو می‌شوند، یک محور دیگرش این است که آدم‌ها اهل مدارا می‌شوند، یک محور دیگر این است که چقدر جامعه حاضر می‌شود تفاوت‌ها را بپذیرد و در پذیرش تفاوت‌ها، حاضر باشد خشونت را از خودش دور کند. چقدر این جامعه همبستگی‌اش تقویت می‌شود؟ انتظار این است که توئیتر این فضا را فراهم کند.

بعد ایشان وارد بررسی تجربی می‌شود و شروع به تحلیل این موضوع می‌کند که در توئیتر فارسی چه می‌گذرد. خواندن این کتاب برای جامعه رسانه‌ای و به‌خصوص برای سیاستگذار رسانه اهمیت دارد. در این تحلیل تجربه، محمد رهبری کشف می‌کند که ۱- براساس شواهد تجربی، قبیله‌هایی در توئیتر شکل گرفته که این قبیله‌ها فقط دیدگاه خودشان را تقویت می‌کند و وارد دشمنی و تعارض با قبیله مقابل می‌شوند. این دو قبیله با هم حرف نمی‌زنند، می‌جنگند. ۲- اگر توئیتر قرار است مدارا را تقویت کند، ایشان آمده بخشی از ناسزاها را آورده و نوشته که فضای توئیتر، فحاش‌ترین، تندخوترین و متعارض‌ترین بخش رسانه است.

ایشان یک فصلی دارد با عنوان «وسطباز خفه‌شو». در یک جامعه‌ای که می‌خواهد به سمت دموکراسی برود، اتفاقاً آدم‌هایی که وسط می‌ایستند و یک نگاه به دو طرف می‌اندازند و سنجش خردآمیزی می‌کنند، مهم هستند اما در توئیتر، در لحظاتی که خرد ضروری است، چیزی که ترند می‌شود همان «وسطباز خفه‌شو» است. از این جهت کتاب محمد رهبری نهیب جالبی به جامعه ایران است و آنجاست که خیلی خوشحال می‌شود که براساس آمارها تنها سه درصد جامعه ایران در توئیتر هستند که این سه درصد تقریباً دو میلیون اکانت می‌شود و از این تعداد، حدود ۱۴۰ هزار اکانت فعال وجود دارد و در بین اینها هم تعداد محدودی بازیگران جدی هستند.

به شکل وحشتناکی توئیتر تاکید بر ساختن یک جامعه سیاه دارد. بعد با روند رشد اکانت‌ها نشان می‌دهد که در توئیتر، آنهایی که از همه تندروتر هستند و از همه بیشتر رنگ خردستیزی به خودمی گیرند، حمایت‌کننده بیشتری پیدا می‌کنند.

فصل آخرش خیلی فصل هشداردهنده‌ای است که عنوان فصل «رادیکالیسم، فردگرایی و چندپارگی» است. من اینطور بگویم که یک جامعه‌ای وجود دارد که آرزوی دموکراسی دارد ولی کنش‌گران سیاسی مهمش به این سه درد درگیر هستند. در پس این کتاب یک هشدار خیلی مهم نفهته است که سیاست‌گذار در ایران اتفاقاً پالس‌ها و واکنش‌ها و ارزیابی‌اش از عرصه سیاست را از همین فضای تندِ رادیکال و پاره‌پاره می‌گیرد. این خیلی خطر بزرگی است که سیاست‌گذار در هر نوعی، قضاوتش بر جامعه بر چنین فضای مداراگریز باشد. در این صورت ممکن است خیلی خطاهای راهبردی توسط آن سیاست‌گذار صورت گیرد. تحلیل داده‌های آقای محمد رهبری می‌گوید که همبستگی اجتماعی به‌وضوح در فضای توئیتر تضعیف می‌شود.

به همین علت این کتاب را می‌توان کتابی به‌موقع دانست. به‌موقع از این جهت که این کتاب دارد هشدار می‌دهد که ببینید، فعال سیاسی حواست باشد که در فضایی کار می‌کنی که اولاً سه درصد جامعه را شامل می‌شود و در بین همان سه درصد هم تعداد کمی محدود هستند اما همین سه درصد به شدت مهم هستند چون این توئیتر در اینستاگرام و تلگرام هم بازنشر می‌شود و مهم‌تر اینکه روی ذهن سیاست‌گذار هم تاثیر می‌گذارد.

این مواردی که اشاره کردم، خوبی‌های کتاب محمد رهبری است. هشدار به‌موقعی است درباره آنچه در توئیتر می‌گذرد و همچنین درباره اینکه، چه بر سر فرهنگ سیاسی ایران می‌آورد. یادتان باشد این آدم‌هایی که در توئیتر هستند، اگر بخواهند در فضای بیرون وارد یک فرهنگ سیاسی شوند، احتمالاً همه میراثی که در توئیتر با خودشان جمع کرده‌اند را به عرصه عمومی می‌آورند.

اما آنچه که محمد رهبری انجام نمی‌دهد و به نظرم وظیفه جامعه‌شناسی و ارتباطات است، این است که توضیح نمی‌دهد که توئیتر در همه جوامع همین بلا را سر جوامع می‌آورد یا خیر؟ یا اینکه توئیتر در جامعه‌ای که احزابش را ابتر کرده و اجازه کنش سیاسی متکی بر یک رفتار انسانی‌تر در فضای بیرون را نمی‌دهد، تلخ می‌شود؟ اینجا یک بررسی تطبیقی لازم است.

فرضیه من این است که اگر جامعه‌ای اجازه دهد در بیرون، آدم‌ها کنش غیررسانه‌ای داشته باشند و در آنجا با یکدیگر، همزیستی سیاسی سامان‌مند انجام دهند، تمام خصومت به‌درون توئیتر ریخته نمی‌شود. این چیزی است که به گمان من، آقای محمد رهبری بخواهند در کتاب دیگری به آن بپردازند و دست به مقایسه بزنند که آیا بدکارکردی‌های توئیتر در ایران محصول ذات توئیتر است یا محصول این است که شما در جامعه‌ای حضور دارید که اجازه فعالیت سیاسی بیرون از توئیتر را به شکل سامان‌مند ندارید. اگر این پاسخ دوم مثبت باشد، خیلی هشدار بزرگی به طرف سیاست‌گذار است.

چرا مطالعه توئیتر و شبکه‌های اجتماعی مهم است؟

محمد رهبری
نویسنده کتاب

بسیاری از کنشگران مدنی و سیاسی و پژوهشگران و جامعه‌شناسان بر این عقیده‌اند که مطالعه شبکه‌های اجتماعی کار عبث و بی‌فایده‌ای است؛ چراکه کاربران این پلتفرم‌ها، معرف جامعه ایران نیستند و تنها بخشی از جامعه ایران را نشان می‌دهند. برخی دیگر معتقدند که هر آنچه در شبکه‌های اجتماعی مشاهده می‌شود، تنها انعکاسی از جامعه است و بر جامعه اثر ندارد. من اما دیدگاه دیگری دارم و معتقدم مطالعه شبکه‌های اجتماعی، از جمله توئیتر، به دو علت ضروری است؛ اول آن که شبکه‌های اجتماعی تنها ماهیت و خاصیت انعکاسی ندارند؛ این‌طور نیست که این شبکه‌ها اثری بر جامعه نداشته باشند. دلیل دوم هم آن است که نباید فریب اعداد را بخوریم؛ درست است که تنها ۳ تا ۵ درصد از جامعه ایران از توئیتر استفاده می‌کند، اما یک‌چهارم دانشجویان ما از توئیتر استفاده می‌کنند. اگر می‌خواهیم بدانیم آینده چه شکلی است، باید به این نسل نگاه کنیم که منابع اطلاعاتی آن کجاست و از چه محیط‌هایی تغذیه می‌کند. علاوه بر مصرف رسانه‌ای نسل زد، توئیتر بر مصرف رسانه‌ای نخبگان ما، خصوصاً نخبگان سیاسی ما اثر دارد. بسیاری از فعالان سیاسی، از مناسبات درون توئیتر اثر می‌پذیرند. چشم بستن بر همه این‌ها و ندیدن تأثیر توئیتر بر جامعه ایرانی، باعث می‌شود ما از واقعیت درون جامعه غفلت کنیم

توئیتر چه تأثیری بر فرهنگ کاربرانش داشته است؟

به‌همین خاطر است که من تأثیر توئیتر بر فرهنگ سیاسی را به‌عنوان پروژه تحقیقاتی خود تعریف کردم تا مطالعه کنم.

من سال‌هاست کاربر توئیتر هستم و روزانه دقایق و حتی ساعات زیادی را در آن می‌گذرانم؛ برای انجام این پژوهش، مشاهداتم را در کنار تحلیل بیگ‌دیتای توئیتر با هم ترکیب کرده‌ام تا بتوانم فراتر از مشاهده مشارکتی، تحلیل جامعی از آن ارائه کنم. اینها را در تحلیل بیگ دیتای توئیتر، که در این کتاب ارائه شده نیز، می‌توان دید. اینکه توئیتر، از طریق ایجاد جوامع همفکر و سازوکار «نادیده گرفتن انتخابی» مثل بلاک کردن، محیط کاربران فارسی‌زبان خود را نه دوقطبی، که چندقطبی یا به تعبیر دیگر چندپاره کرده است. گروه‌های پراکنده‌ای که در هر گروه اعتماد درونی بالاست، اما اعتماد به اعضای خارج از آن گروه و قبیله و کلاستر و خوشه و هر اسم دیگری که بر آن بگذاریم، پایین است. مشاهده کرده بودم که در میان قطب‌های سیاسی، چطور اعضای هر گروه، قطب دیگر را دشمن خودش می‌پندارد و این گونه فضای توئیتر بر مناسبات میان فعالان سیاسی آن اثر گذاشته است. حتی به مرور می‌دیدم که توئیتر، ادبیات گفت‌وگوی فعالان سیاسی را نیز تغییر می‌دهد و گویی آن را خصمانه‌تر می‌کند؛ موضوعی که محدود به توئیتر نیست. شما نمی‌توانید در یک عرصه عمومی درون شبکه‌های اجتماعی با تیزترین کلمات با کسی صحبت کنید و انتظار داشته باشید این ادبیات تیز بر مناسبات شما در دنیای واقعی اثر نداشته باشد.

بسیاری از کنشگران سیاسی در توئیتر، دغدغه دموکراسی دارند و خودشان را دموکراسی‌خواه می‌دانند. به‌همین‌واسطه، تأثیر این محیط بر مؤلفه‌های فرهنگ دموکراتیک موضوع پژوهشم شد. نمی‌شود انتظار یک نظام سیاسی دموکراتیک را داشت اما نخبگان سیاسی و مردم آن نسبتی با فرهنگ دموکراتیک نداشته باشند. نمی‌شود درون جامعه‌ای گفت‌وگو جریان نداشته باشد، گروه‌ها و نیروهای سیاسی با بدبینی و سوءظن به یکدیگر نگاه کنند، و نیروهای میانه «خفه» شوند، اما انتظار گذار به دموکراسی داشت. به‌واسطه همین مشاهده روزانه فضای توئیتر، احساس می‌کردم این محیط کمکی به فرایند دموکراسی‌خواهی در ایران نمی‌کند.

یافته‌هایی که در کتاب «توئیتری شدن سیاست» ارائه کردم نشان می‌دهد که فضای توئیتر، نابرابری را عمیق‌تر می‌کند، بی‌اعتمادی را تشدید می‌کند و رواداری را کمتر می‌کند. در این محیط، به دلیل محدودیت ۲۸۰ کاراکتری در بیان نظر، گفت‌وگو شکل نمی‌گیرد و برای بیان یک دیدگاه، ناچار باید یک محتوای کوتاه و حتی تیز نوشت. پژوهش‌های متعددی نشان داده که هرچقدر تیزتر در توئیتر بنویسید، مخاطب بیشتری خواهید داشت و بهتر دیده خواهید شد. همین‌ها مانع از شکل‌گیری یک گفت‌وگوی روادارانه در توئیتر می‌شود. توئیتر اثرات مثبتی نیز بر جامعه داشته است. به‌نظر من توئیتر باعث شده تا برخی حقایق آشکار شود، مسئولان پاسخگوتر باشند و بیشتر مراقب اعمال و رفتار خود باشند. اما تأثیرات منفی آن را نباید نادیده گرفت. بخش قابل توجهی از جامعه ما، شیفته این ویژگی‌های مثبت شده و به‌همین خاطر نسبت به تأثیرات منفی آن بی‌توجه است. تأثیراتی که من آن را در قالب مفهوم «توئیتری‌شدن سیاست» صورت‌بندی کرده‌ام.

اما سیاستی که توئیتری شده حاوی چه ویژگی‌هایی است؟

اولین ویژگی آن رواج یافتن رویکردهای پوپولیستی است؛ در جامعه پلتفرمی، که لایک و ویوی بیشتر، به مثابه یک ارزش جدید، منبع درآمد و توجه شده، با رویکردهای پوپولیستی می‌توان اعتبار و شهرت خرید و حتی ثروتمند شد. افراد برای خوش‌آمد دیگران مواضعی می‌گیرند تا بیشتر لایک شوند و اینجاست که رفتارهای عوام‌فریبانه دیده می‌شود. «سلبریتی‌های توئیتری» روی ترند تایم‌لاین حرکت می‌کنند، همواره در جهت آب شنا می‌کنند و سعی می‌کنند توئیت‌هایی بزنند که بیشتر لایک شود.

ویژگی دیگر حاکم بر توئیتر، تقویت رفتارهای فردی در برابر کنش‌های جمعی است. توئیت‌های یک اکانت امروزه در میان فعالان سیاسی بسیار مهمتر از مواضع یک حزب سیاسی دیده می‌شود و همین امر باعث می‌شود که افراد به‌جای فعالیت نهادی و تشکیلاتی به سمت فعالیت توئیتری روی بیاورند چراکه از این طریق احساس اثرگذاری بیشتری می‌کنند.

و ویژگی سوم، رادیکالیسم است: رادیکالیسم در فرم و محتوا. اما نکته مهم آن است که این رادیکالیسم در توئیتر باقی نمانده است بلکه فرهنگ حاکم بر آن به فضای خارج از آن نیز کشیده شده است؛ حالا در فضاهای رسمی نیز جوان‌ترها به راحتی بر علیه نسل‌های قدیمی‌تر که زمانی احترام و ارج قربی داشتند به‌راحتی هر سخنی را به‌زبان می‌آورند و آن‌ها را تمسخر می‌کنند.

البته... البته... البته... توجه کنیم که پدیده‌های اجتماعی تک‌علتی نیستند و عوامل مختلفی بر شکل‌گیری آن اثر می‌گذارند. این‌طور نیست که فقط توئیتر باعث این تحولات شده باشد، اما حتماً توئیتر یکی از این عوامل است.

چه باید کرد؟

اکنون فکر می‌کنم از سال ۹۶ به این سو، بعد از حدود ۷ سال کنشگری مستمر فعالان سیاسی در توئیتر، و بعد از آنچه در سال‌های اخیر سپری کردیم، دیگر برای همگان تأثیر توئیتر روشن شده باشد. کمی طولانی صحبت کردم. اما خواهش می‌کنم به این بخش پایانی صحبتم توجه کنید. از طریق توئیتر نه می‌توان ائتلاف ساخت و نه می‌توان وفاق کرد؛ توئیتر نه‌تنها به ایجاد همبستگی کمک نمی‌کند، بلکه در آن فضایی ایجاد می‌شود که بدبینی و سوءظن تشدید شده و فاصله‌ها افزایش می‌یابد. هرکسی که به اثر توئیتر در سال‌های اخیر توجه کرده باشد باید متوجه شده باشد که فعالیت در توئیتر نمی‌تواند جای کنشگری سیاسی و فعالیت جمعی را بگیرد. از توئیتر برای اصولگرا و اصلاح‌طلب، سلطنت‌طلب و جمهوری‌خواه، چپ و راست و... آبی گرم نمی‌شود. در عوض برای پروژه‌بگیر و فاندبگیر و برای کسانی که می‌خواهند تفرقه و شکاف ایجاد کنند تا بر ما حکومت کنند، حسابی آب گرم می‌شود. چون درآنجا امکان پروپاگاندای رایانشی، که مفهوم مهمی است که باید بیشتر راجع به آن سخن گفت، مانع از کنشگری سالم است. چون آنجا گفت‌وگو شکل نمی‌گیرد و ده‌ها دلیل دیگر. اما آنچه اینجا در جمع‌بندی می‌خواهم بگویم آن است که توئیتر اتمسفر و فضای سیاست حاکم بر ایران را تغییر داده است. سیاست در ایران توئیتری شده، یعنی در یک کلام رادیکال‌تر شده، کنش‌های فردی به کنش‌های جمعی اولویت پیدا کرده و رویکردهای پوپولیستی در آن تقویت شده است؛ یعنی درست هرآنچه در توئیتر می‌بینیم با نسبت رقیق‌تری در جامعه دیده می‌شود. البته که عوامل دیگری نیز بر شکل‌گیری این وضعیت مؤثر بوده‌اند و نباید تغییرات جامعه را تک‌علتی دید. می‌توان این فضا را تغییر داد به شرطی که ابتدا سازوکاری که باعث آن شده را درست بشناسیم.

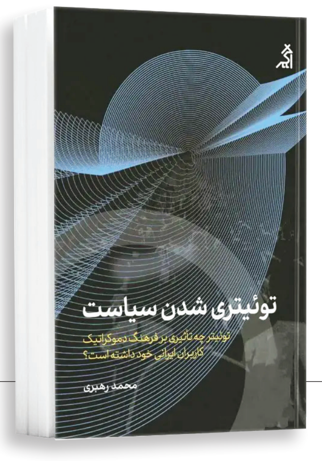

توئیتری شدن سیاست
توئیتر چه تأثیری بر فرهنگ دموکراتیک کاربران ایرانی خود داشته است؟
محمد رهبری

نمی‌توانیم دست‌بسته باشیم

مجید انصاری، معاون حقوقی رئیس‌جمهور در همایش بین‌المللی داوری با تاکید بر آموزه‌های دیوان داوری دعاوی ایران -ایالات متحده گفت: «در پی وقوع انقلاب اسلامی مردم ایران که بزرگترین حادثه نیمه قرن بیستم بود، آثارش در منطقه و جهان موجب تغییرات شگرفی شد. انقلاب با محوریت استکبارستیزی با خواست مردم به وقوع پیوست. حوادث انقلاب همچنان ادامه دارد، از جمله حوادث مهم تسخیر سفارت آمریکا بود که با هدایت امام به مجلس شورای اسلامی سپرده شد و موضوع حل دعاوی ایران و آمریکا مطرح شد و دیوان بین‌المللی ایران و آمریکا شکل گرفت؛ متعاقباً مرکز بین‌المللی دعاوی ایران و آمریکا شکل گرفت که امروز پرسابقه‌ترین است که نزدیک به ۴۳ سال است که وجود دارد و حدود ۳ هزار و ۶۴ پرونده شکل گرفته است که آموزه‌های مختلف دارد اما گنجینه‌ای حقوقی کارزار تمام‌عیار میان یک کشور انقلابی مستقل مردمی با ابرقدرت بلامنازع سیاسی، اقتصادی و حقوقی جهان است و آرایی که دیوان داده و مسیری که طی شده است، بسیار مهم است.» او ادامه داد: «این همچنان بسیار ارزشمند است. دعاوی میان ایران و آمریکا در قالب ۳۶ جلد کتاب به زبان انگلیسی تدوین شده است و یازده جلد هم به فارسی تدوین شده و جلد دوازدهم هم در دست تدوین است. در این پرونده‌ها بعضی جاها شکست خوردیم و محکوم شدیم و از دارایی‌های ما به نفع آمریکا برداشت شد و در پاره‌ای از موارد حقوقدان‌های ما پیروزی‌هایی داشتند که دستاورد مادی هم داشته است. قهرمانان نظامی ما در عرصه‌های میدانی حضور داشتند اما امروز می‌خواهم از قهرمانان گمنام در میدان‌های دیپلماسی بگویم که در میدان‌های حقوقی ایستادند و پیروز شدند.» انصاری همچنین گفت: «همان‌طور که رهبر معظم انقلاب فرمودند و رئیس‌جمهور هم تاکید کرد، ما سر جنگ و دعوا با هیچ کشوری و هیچ‌کس را نداریم و اگر هر کشوری از جمله آمریکا بر پایه حقوق بین‌الملل و رسمیت شناختن ملت ایران و خواست مردم ایران آمادگی مراوده و تعامل قانون‌مند و ضابطه‌مند به دور از تحکم استکباری باشد، جمهوری اسلامی همواره اعلام کرده آماده است. امیدواریم روزی جنگی در هیچ نقطه‌ای از جهان نباشد، اما می‌بینید در برابر جنگ‌های تحمیلی اقتصادی در قالب تحریم و در قالب جنگ‌های حقوقی از جمله اتهام‌افکنی ما نمی‌توانیم دست‌بسته باشیم تا یک کشور قربانی تروریسم به همکاری با تروریست‌ها متهم شود، یک کشوری که در خاک خودش به وسیله بیگانه مورد هجوم تروریستی قرار می‌گیرد نمی‌تواند دست‌بسته باشد.» وی خاطرنشان کرد: «مایه شرمساری جامعه جهانی و همه طرفداران حقوق انسانی و بشر است که ما در دورانی زندگی می‌کنیم که همه حقوق بشر در تمام اشکال ماه‌هاست در بدترین شکل خود نقض می‌شود، من ابداً بحث ایدئولوژیک ندارم، به جای غزه فکر کنید مردم دیگری بودند، به جای کشور غزه فرض کنیم ملت دیگری بود، انسان به هویت انسان امروز قربانی قدرت‌هایی است که ادعای حقوقی بشری‌شان گوش بشر را کر کرده است، اما تمامی کنوانسیون‌ها، میثاق‌ها و تکلیف بین‌المللی و منشور سازمان ملل همه را زیر پا له کردند و ظرف یک روز انواع جرائم را یکجا انجام می‌دهند. کوچ اجباری مردم، کشتار مردان و زنان، ویرانی مساجد و بیمارستان‌ها همه را انجام می‌دهند. شرم‌آورتر این است که وزیر خارجه کشور مدعی دیرینه‌ترین تمدن اروپا می‌گوید ما نقض حقوق بشر و قتل‌عامی را نمی‌بینیم؛ ۲۱ هزار کودک به خون خفته و تکه و پاره شده را شما نمی‌بینید؟ چهل هزار انسانی که ۸۵ درصد آنان غیرنظامی و رزمی بوده است را نمی‌بینید؟ وقت آن رسیده جامعه جهانی حقوقی صرف نظر از دین و آئین به حرمت حقوق و حرمت انسان در یک حرکت و انسجام بین‌المللی اقدام کنند.» او ادامه داد: «دردآور که همه این‌ها به هنجار در رفتار بین‌الملل در حال تبدیل است، آنچه که ناهنجاری محض است هنجار این روزهاست و مردم همان کشوری که به زور از خانه رانده شدند و در اردوگاه اسارت هستند متهم به تروریسم می‌شوند و اگر از خودشان دفاع کردند اقدام‌شان تروریستی است و اگر ایران از آن‌ها حمایتی کرد حامی تروریست‌ها می‌شود و هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران توسط این کشورها تحریم می‌شود و می‌گویند شما به کشوری پرواز می‌کنید که آنجا تروریست‌ها هستند! حال تروریست‌ها چه کسانی هستند؟»